

شرق

روزنامه

برداشت گل آفتابگردان در مزارع استان گلستان، عکس: عقیل مهتانی، میزان



www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۹ = ۲ صفر ۱۴۴۲ = ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۲۸۲۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۸ • اذان مغرب ۱۹:۲۲

اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فردا

نور نوشت

این همه تهدید برای چیست؟

زمینه تحریم‌ها اقتصاد ایران را به این صورت که شاهدیم، به تورم و رکود کشانده است. آمریکا ارزش دلار را به نزدیک ۳۰ هزار تومان رسانده و هیچ طوری هم نشده است؛ بنابراین همین راه را ادامه خواهد داد و تمایلی نیز به درگیری ندارد. آنها وارد درگیری نخواهند شد؛ چون همین حالا هم درون درگیری هستند و در عالم اقتصادی به ما خسارت می‌زنند؛ بنابراین دلیلی ندارد که بخواهند اقدام شدیدتری انجام دهند؛ به‌این‌خاطر که اساسا سیاست آنان، جنگ فرسایشی است. جنگ فرسایشی هم یعنی فرسودن جامعه از توانمندی‌های اقتصادی و... . مقایسه وضعیت فعلی ایران با مسقط و امارات که از ما ۵۰ سال عقب‌تر بوده و الان ۵۰ سال جلوتر افتاده‌اند، در حقیقت ثمره همین جنگ فرسایشی است. آنچه ما نیاز داریم، یافتن راهی است که وضعیت فعلی را بهبود داده و فشار این تحریم‌ها را که علیه مردم ایران است، بردارد. مردمی که اگرچه نقشی در جنگ قدرت ندارند؛ اما زیان و آسیب می‌بینند.

جدیدی از تحریم کرده است. بزرگ‌ترین تحریم او احتمالا جلوگیری از حمل‌ونقل دریایی ایران از قبیل حمل‌بزین‌ها و میعانات نفتی به ونزوئلا است. آنچه مسلم است، این است که ما در شرایطی فعلی با وجود بودن برجام، از سوی همه کشورها مورد تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌ایم. حتی چین و روسیه نیز همین رویکرد را داشته‌اند؛ بنابراین در موضوع فروش اسلحه هم وضع بدتری نخواهیم داشت. ضمن اینکه ایران در این مدت نیازی به آن اسلحه نداشته است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که در این ماجرا آمریکا جقدر پیروز است و ما چه دستاوردی داریم.

این هم یک بحث اعتباری است. در واقع ایران وقتی پیروز خواهد بود که در عرصه بین‌المللی حضور داشته و در تجارت بین‌المللی سهمیم باشد. اینکه واردات و صادرات آزاد داشته باشد و آمریکا قدری به عقب بنشیند و... . اینها جای جشن و شادمانی دارد. احتمال ورود ترامپ به درگیری نظامی نیز چندان درخور توجه نیست؛ زیرا او در



فریدون مجلسی

تهدیدات مکرر آقای ترامپ حکایت از این دارد که او خودش هم در امکان عملیاتی‌شدن مکانیسم ماشه تردید دارد. در واقع او احساس می‌کند همان‌طور که قبلا هم دیگران گفته‌اند و حتی مشاور سابق او هم در کتاب خودش گفت، فعال‌کردن مکانیسم ماشه علیه ایران ممکن نیست. روشن است که اگر ماشه اجراشدنی بود، احتیاجی به تهدید بیشتر نبود؛ زیرا ایران در مسیر تحریم‌های بین‌المللی چنان‌که در دوران احمدی‌نژاد بود و حتی به صورت جدی‌تر از آن، می‌افتد. اما الان آمریکا می‌داند که به این نتیجه نخواهد رسید؛ بنابراین رویه‌ای را در پیش گرفته که قدری هم رنگ تبلیغاتی دارد. ترامپ سعی دارد بگوید که در سیاست‌های خود در عرصه سیاست خارجی ناموفق نبوده و ایران را وارد دور

مغز اجتماعی- ۱۳۲

فاجعه در گهواره

و غیرتجربی می‌شود. اما شکی نیست که تأثیرات بدن مادر به عنوان اولین محیط کودک، نتایج بارزی در رشد مغز و رشد شخصیت او به جا بگذارد. پس از تولد، تا یک‌سالگی رابطه بیناجسمانی و عاطفی بین کودک و مادر و سپس پدر و دیگران وارد مرحله جدیدی می‌شود و نوزاد با زیست جهانی گسترده‌تری روبه‌رو می‌شود. معنا از درون قصدمندی کنش‌ها و ادراک متقابل در رابطه عاطفی- اجتماعی از طریق اشارات عاطفی بدنی بیناسوزهای زایده می‌شود که بدن‌مندی ذهن را ممکن می‌کند. این تجربیات گران‌قدر دوران اولیه کودکی بر لایه‌های حافظه‌ای پنهان و عمیق قبلی استوار می‌شود و ابهام رفتار عاطفی و خارج از دسترس آگاهی آشکار را باعث می‌شود که هر عاقل دانشمندی از درک منشأ آن نتوان می‌ماند. مطالعات جدید نشان می‌دهد عواملی چون جنگ، فقر، قحطی، بلایایی چون همه‌گیری کرونا در نظام‌های ناعادالانه که باعث اختلال در اولین تجربیات عاطفی- اجتماعی از تولد تا یک‌سالگی شود، اثرات بسیار بزرگی در عبق شخصیت و خلق و خوی انسان در نسل‌های مختلف بر جا گذاشته‌اند. به عنوان مثال کسانی که در میانه جنگ هشت‌ساله بین ایران و عراق، در مناطقی یا به دنیا گذاشته‌اند که خانواده آنها به ویژه مادرانشان در استرس و اضطراب و نگرانی و آشفتگی ذهنی به سر می‌برده‌اند، ممکن است هم‌اکنون در دهه سوم زندگی خود دچار اختلالات خلقی- عاطفی ازجمله حملات اضطرابی ترس، اضطراب و خشم بی‌دلیل، یا منشأ نامعلومی و گنگی باشند که ریشه در تجربه‌های ناشی از وقایع در رحم مادر یا سال اولیه زندگی آنها در دوران جنگ داشته باشد. فاجعه‌بار است که این صفات ایی- ژنتیکی ناشی از تجربیات اولیه زندگی می‌تواند تا چند نسل قابل انتقال باشد. البته چون این نوع پدیده‌ها، سودی نصیب صاحبان سرمایه و قدرت‌مداران نمی‌کند، بازار برطرف‌داری نیز ندارد. به همین علت است اگر در کشور ما پژوهش‌های نیمه‌کاره، بی‌سرانجام و غیردقیقی هم در این زمینه انجام شده باشد، باید به صورت رساله‌های دانشجویی سرهم‌بندی‌شده در حال خاک خورده شدن در زیرزمین کتابخانه‌های دانشگاه‌ها باشد. ولی با همین دانش محدودی که از پژوهش‌های انجام‌شده در دنیا داریم، باید آگاه باشیم که ممکن است چنین فجایعی در زندگی انسان در گهواره رحم مادر یا در یک‌سالگی اول زندگی هم رخ دهد.

پیشخوان

شناسا منتشر شد

ماهانمه «شناسا» منتشر شد. نشریه‌ای که دست‌اندرکارانش در منشور نوشته‌اند: پیشگیری از وقوع یا مدیریت و پشت‌سرگذاشتن کم‌هزینه بحران‌ها از در سایه احیای همبستگی و اعتماد عمومی همه ارکان جامعه و مشارکت کلیه ذی‌نفعان این بحران‌ها در سه بخش کلی بدنه اجتماعی، جامعه مدنی و حاکمیت (به معنای عام آن) امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو دست‌اندرکاران «شناسا» معتقدند گفت‌وگوی صریح و صادقانه این ذی‌نفعان حول موضوعات گوناگون مربوط به ایران می‌تواند گام نخست در مسیر گذار کم‌هزینه از ایران امروز با همه معضلات به سمت ایران توسعه‌یافته فردا با همه آرزوها و رؤیاهای این باشد. در شماره اول تأثیرات کرونا بر بخش‌های مختلف توسعه، فرهنگ و اجتماع در ایران با عنوان «تحفه چین: الزام تغییر در سال ده» مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش شناسایی توسعه، عبدالله مؤمنی درباره همه‌گیری کرونا فرصتی برای احیای امر سیاسی نوشته است و سپهر برزی مهر دبیر سندیکای صنعت برق ایران درباره تأثیرات کرونا بر صنعت برق نوشته و میکائیل عظیمی همه‌گیری را بازنشستگی مورد ارزیابی قرار داده و علی مایرقلی درباره نیمه پر لیوان کرونا برای خانواده کتاب نوشته است. در بخش پیام‌دهان شناسا به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در ایام کرونا پرداخته شده که در این میان بین حاکمیت و ملت سرگردان مانده‌اند و هومان رشیدی در مقاله «پاندمی نقاط عطف تاریخ‌ساز» به پاندمی‌های تاریخ‌ساز و نقش آنها اشاره داشته و پوریا سوری درباره کرونا و تأثیر آن بر فرهنگ مطلبی کوتاه نوشته است. این شماره به رضا یوسفیان که پزشک است، تقدیم شد. مدیرمسئول این نشریه حامد شجاعی و سردبیر آن نفیسه زارع‌کهن است.



عبدالرحمن نجل رحیم

مغز پژوه



همان‌طور که انتظار می‌رفت، بحران اجتماعی- اقتصادی ناشی از همه‌گیری کرونا به رشد نابرابری اجتماعی، شکاف بین فقیر و غنی در همه جوامع تحت اداره نظام سرمایه‌داری دامن زده است. در این میان بیشتر آسیب‌های غیرقابل‌جبران به جمعیت کودکان در حال رشد جامعه وارد می‌شود. بنا بر گزارش یونیسف، با توجه به بحران اقتصادی- اجتماعی موجود، تخمین زده می‌شود تا انتهای سال مسیحی ۲۰۲۰، تعداد کودکان دنیا که در خانوارهای فقیر زندگی می‌کنند به ۸۶ میلیون نفر برسد. بدیهی است که در شرایط فقر و فلاکت، دسترسی کودکان به غذا، بهداشت و آموزش مناسب ممکن نباشد و محیط پرورشی آکنده از استرس، آزار و انذیت، خشونت و استثمار شود و شرایط غیرانسانی بر آن حاکم شود. هم‌اکنون، دوسوم کودکان جهان، در حالی که خانواده‌هایشان امکان ایستادگی در مقابل شوک اقتصادی موجود را ندارند، از نوع نوح امکان دسترسی به حمایت‌های اجتماعی نیز محروم هستند و در چرخه معیوب فقر و فلاکت دست و پا می‌زنند. البته این فاجعه در کشورهای پیرامونی فقرزده، جنگ‌زده، آواره و حاشیه‌های مهاجرنشین دردناک‌تر و شرم‌آورتر است. با نگاهی به چند دهه پرتلاطم داخلی، انقلاب، جنگ، نابسامانی و اوج‌گیری نابرابری اقتصادی- اجتماعی، شکاف عمیق بین فقیر و غنی، افزایش فقر در میان کودکان کشور ما نیز تأسف‌بار است. تعداد کودکان کار فقیر ما چنان افزایش یافته که افتخار ما این است که یکی از آنها سر از فستیوال فیلم ونیز درآورده و تأسف‌بار اینکه به علت ابتلا به کرونا نتوانسته جایزه طلایی به عنوان بازیگر نوظهور را شخصاً دریافت کند! اما این گفته‌ها درباره کودکان کار و تبلیغات درباره آن با اهداف متناقض و گاه مخرب، شاید همه تکرار مکررات باشد. اما در این فرصت می‌خواهم از فاجعه دیگری سخن به میان آورم که آن را «فاجعه در گهواره» می‌نامم. ما اغلب به قول معروف وقتی کودکان را آدم به حساب می‌آوریم و از آسیب‌پذیری آنها صحبت می‌کنیم که به راه افتاده و زبان باز کرده باشند و بتوانند خود را به عنوان فردی تقریباً مستقل درون خانواده مطرح کنند. در این سنین است که اغلب نگران تغذیه خوب، آموزش

دغدغه‌های یک آموزگار

گرفتاری‌های دیگر دختران در آموزش



محمدرضا نیک‌نژاد

با انتشار عکس روی جلد کتاب ریاضی سوم دبستان که به بهانه شلوغی تصویر! دختران حذف و پسران باقی مانده بودند، هباهویی در فضای مجازی و واقعی برپا شد و تا آنجا پیش

رفت که وزیر آموزش وپرورش را وادار به عذرخواهی کرد. جدای از بازتاب گسترده این رخداد و قول کاربه‌دستان برای اصلاح این خطا و به گفته وزیر «بی‌سلیقگی»، چنین بحث‌هایی در فضای عمومی را باید به فال نیک گرفت و با توجه به گستردگی رسانه‌ها در جهان امروز، می‌بایست خوش‌بین بود که چنین حساسیت‌هایی زمینه افزایش آگاهی جامعه و اصلاح مسیر دست‌اندرکاران را در پی خواهد داشت. اما در میانه چنین گفت‌وگوهایی نقش پژوهشگران، اندیشمندان و کارشناسان باید پررنگ‌تر از همیشه باشد. یکی از این نقش‌ها می‌تواند کشاندن این بگومگوها از لایه‌های سطحی به لایه‌هایی ژرف‌تر و پنهان‌تر باشد تا دست‌کم امیدوار بود که دستاورد چنین بحث‌هایی، زودگذر نباشد و پس از اندک‌زمانی، به فراموشی سپرده نشود.

در ماجرای حذف دختران از روی جلد کتاب ریاضی، بیشتر نگاه‌ها به سوی دیدگاه‌های ایدئولوژیک دست‌اندرکاران سیاسی و آموزشی رفت و البته شاهد اندک‌توجهی نیز به درونمایه‌های آموزشی و روند دگرگونی‌های آنها در دهه‌های گذشته بودیم که بی‌گمان جستاری درست و تأثیرگذار است.

اما موضوع دیگر، آمار بازماندگان از آموزش در میان دختران است. عکس روی جلد کتاب، چون نماد یک اندیشه و دیدگاه و با اندازه‌ای نشان‌دهنده هدف و نقشه راه است، به خودی خود و به شکل نمادین مهم است. اما خبرهای دیگری هم هست که دستگاه عصبی جامعه در برابر آنها بی‌حس‌وحال است. برای نمونه در شهریور سال ۹۸ معضومه ابتکار، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور، در آستان کهنکلبوه‌وبیوراحمد گفت: «آمار دختران بازمانده از تحصیل سه تا چهار برابر پسران است». گرچه آمار رسمی بازماندگی از آموزش در آن سال، ۱۴۲ هزار کودک اعلام شده بود، اما این آمار، هم از سوی نهادهای مدنی مستقل و هم از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس تا سه‌ونیم میلیون دانش‌آموز هم رسید؛ یعنی میلیون‌ها دختر بازمانده از آموزش به دلیل نبود زمینه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، آن‌هم نه مانند حذف نمادین دختران در کتاب‌های درسی بلکه واقعی و واقعی! که گردونه آموزش حذف می‌شوند و شوربختانه نه موجی درست می‌شود و نه حساسیت چندانی برمی‌انگیزد و نه درباره آن گفت‌وگویی عمومی شکل می‌گیرد!

نمونه‌ای دیگر در گفت‌وگوی دوماهانمه «چشم‌انداز ایران» با دکتر رضا امیدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر سیاست‌گذاری اجتماعی، مطرح شد. دکتر امیدی در آن گفت‌وگو می‌گوید: «میانگین آمار بازماندگی دختران در دوره متوسطه اول در کشور ۹ درصد است و در این در حالی است که این درصد برای سیستان‌وبلوچستان ۳۴ درصد است! یعنی ۳۴ درصد دختران سیستان‌وبلوچستان که باید در مقطع راهنمایی یا متوسطه اول باشند، نتوانسته‌اند به مدرسه بروند. بخش عمده‌ای از این رویداد، برخلاف ادعاهایی که می‌شود، اصلا مسئله فرهنگی نیست؛ مسئله عدم دسترسی است... میانگین کشوری بازمانده از تحصیل دختران در دبیرستان ۱۱ درصد، اما در سیستان‌وبلوچستان ۴۷ درصد است! یعنی تقریباً نصف دختران سیستان‌وبلوچستان عوم به دلیل عدم دسترسی به مدرسه از تحصیل جا مانده‌اند. سایر استان‌های محروم را هم اگر بررسی کنیم، باز عمده بازماندگان از تحصیلات در استان‌هایی است که با محرومیت‌های زیرساختی و راه و امکانات آموزشی و برق و این‌گونه مسائل روبه‌رو هستند...».

ریشه این بازماندگی، چه فرهنگی و اجتماعی باشد و چه نبود امکانات فیزیکی مانند عدم دسترسی، این وظیفه دولت است که دست‌اندا‌های جلوی آموزش پسران و دختران را بردارد و زمینه آموزش به‌عنوان یک حق انسانی را برای همه افراد فراهم کند. سوی دیگر ماجرا، کسانی هستند که به‌درستی در برابر حذف عکس دختران از جلد کتاب درسی هیاوه به‌پا کرده و البته دست‌اندرکاران را وادار به عذرخواهی و اصلاح مسیر کردند. آیا نباید چنین جریان اجتماعی‌ای را نیز برای بازماندگی از آموزش پسران و دختران کشورمان راه بیندازیم؟ آیا نباید به چنین گرفتاری فراگیر و آسیب‌زایی نیز حساسیت نشان داد؟ آیا نباید چنین گرفتاری گسترده‌ای را نیز در بوق و کرنا کرد؟ آیا لازم نیست در این زمینه نیز به گفت‌وگو در فضای عمومی پرداخت؟ چه‌بسا اگر برای بازماندگی از آموزش نیز خیزی برداریم، شاید روزی دست‌اندرکاران وادار به عذرخواهی و اصلاح دیدگاه‌ها و برنامه‌ها شوند! باید خوش‌بین و امیدوار بود و کوشش کرد.

تلنگر

پنهان‌بودن پیامد جنگ‌ها



سیدحسین موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

وقوع هر بحرانی اعم از طبیعی یا غیرطبیعی در هر جامعه‌ای، پیامدهای مختلفی را به دنبال خواهد داشت. برخی از این پیامدها به حین بحران

برمی‌گردد، اما بخش مهمی از آنها پس از آن خود را نشان می‌دهد که معمولاً کمتر به آنها توجه می‌شود. ازجمله این بحران‌های غیرطبیعی، جنگ‌ها هستند که با تاریخ بشر مانوس بوده و خواهد بود و همه مردم به شکلی درگیر آن خواهند بود و از پیامدهای آن تأثیر می‌پذیرند. شاید بتوان این‌گونه اشاره کرد که جنگ‌ها در ادوار مختلف بر جوانب مختلف زندگی افراد تأثیرات منفی می‌گذارند و از لحاظ اجتماعی، روانی، فردی، اقتصادی، شناختی و بسیاری از جنبه‌های دیگر، افراد را با چالش‌های زیادی مواجه می‌کنند. پیامدهای منفی ناشی از جنگ در بسیاری از موارد مانند تخریب زیربناها برای همه مشخص است، چون دیده می‌شود؛ اما یکی از بخش‌های سلامتی که شدیداً از جنگ متأثر می‌شود، سلامت اجتماعی و روانی است که متأسفانه اثرات آن پنهان بوده و این مسئله سبب شده افراد از این ناحیه صدمه ببینند. مهم‌ترین اثرات روانی- اجتماعی جنگ عبارت‌اند از: انواع استرس‌های فردی و جمعی (اختلال پس از حادثه)، بیماری‌های روانی و شخصیتی، اضطراب، افسردگی، افزایش تمایل به خشونت در جامعه، گسترش روحیه انتقام‌جویی، رشد انحصارطلبی و بی‌عدالتی، رشد فرهنگ توجیهی و مصلحتی، ترس و بی‌اعتمادی، رشد فشارها و تنش‌های گروهی و فردی، تخریب کارکردهای خانواده، گرایش به آسیب‌های اجتماعی به دلیل فشارهای روانی واردشده و با هدف کاهش این فشارها و... . معمولاً خانواده افرادی که در جنگ مجروح یا کشته می‌شوند، حتی بعد از جنگ نیز ممکن است نتوانند با این وقایع کنار بیایند و مسائل تلخی را تجربه می‌کنند. برخی از صاحب‌نظران معتقدند جنگ‌ها عاملی مؤثر و مهم در ابتلای افراد به انواع اختلالات روانی و استرس‌های پس از این بحران هستند. گرچه جنگ‌ها در برخی از زمینه‌ها پیشرفت‌هایی را در تجهیزات جنگی و دفاعی برای کشورهای درگیر جنگ به دنبال خواهند داشت، ولی معمولاً حوزه سلامت اجتماعی و روانی تأثیرات منفی آن را بیشتر تجربه خواهد کرد. گرچه تأثیرات آنها بر کودکان، سالمندان، زنان و مردان همیشه یکسان نیست، ولی همه مردم به‌نوعی تحت تأثیر این پیامدها هستند. کودکی را در نظر بگیریم که پدر خود را در جنگ از دست داده و در زندگی رابطه پدر و فرزند را تجربه نکرده باشد؛ هر قدر هم خدمات و امکانات به این کودک بدهیم، باز جای خالی پدر و محبت پدر و چتر حمایت او را نخواهد گرفت. یا زنی که شوهرش را در جنگ از دست داده باشد نیز همین‌طور. بخشی از این زنان خیلی جاها احساس تنهایی می‌کنند و مجبور می‌شوند فشارهای مختلفی را در زندگی تجربه کنند که اگر همسرشان زنده بود، شاید تجربه نمی‌کردند یا کمتر تجربه می‌کردند. خانواده‌ای که بیمار اعصاب و روان ناشی از جنگ دارد نیز مشکلات خاص خود را دارد که تا تجربه نکنیم، نمی‌توانیم از آن صحبت کنیم. به همین دلیل ضروری است تا رویکردهای سلامت اجتماعی و روانی در تمام برنامه‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران تقویت شود. همین‌طور اقدامات دیگری برای تقویت این ابعاد سلامت ضروری به نظر می‌رسد که از آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- لزوم تقویت و ارتقای رویکرد خانواده‌محورکردن برنامه‌ها در جامعه ایثارگری
- برنامه‌ریزی برای تلقیق با جامعه و پرهیز از ایزوله‌کردن و نگاه جزیره‌ای
- همه خدمات را به پرداخت پیول خلاصه نکنید؛ شناسایی ظرفیت‌ها و امکان برقراری ارتباط و استفاده از این ظرفیت‌ها در بسیاری از مواقع بسیار اثرگذارتر از ارائه مستقیم و مستمر پول است. افراد و فرزندانشان را قوی کنید
- با توجه به شرایط سنی این افراد و خانواده‌ها و افزایش سالمندان تحت پوشش، نیازمند برنامه‌ریزی قوی برای این عزیزان هستیم/ تقویت رویکردهای محله‌محوری و تلقیق اجتماعی- / لزوم توجه به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه تحت پوشش بنیاد و تهیه گزارش‌های مستمر از چگونگی وضعیت آسیب‌های اجتماعی شايع و در حال شیوع این افراد (واقع‌بین باشیم، منکر آسیب‌های اجتماعی در این جامعه نخواهیم بود. حتی تعداد کم آسیب‌های اجتماعی در این جامعه، زیاد است)/ تقویت رویکرد سلامت در جامعه ایثارگری
- تشکیل پرونده‌ها در قالب «مدیریت مورد» برای افراد و خانواده‌های دارای شرایط حاد و نیازهای خاص و افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی تا مدیریت بهتری در شناسایی نیازها، ارائه خدمات و هماهنگی بهتر و بیشتر صورت گیرد
- لزوم توجه به ارائه خدمات با توجه به تفاوت‌های فرهنگی جامعه ایثارگری

ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدای انقلاب اسلامی و همه ایثارگرانی که برای دفاع از ایران فداکاری کردند، فراموش نکنیم که تقویت خدمات اجتماعی و روانی یکی از ضروریات جامعه و خانواده‌های افراد حادثه‌دیده از جنگ است.

زیر آسمان جهان

بزرگ‌ترین معدن طلای جهان تعطیل شد

بهره‌برداری از بزرگ‌ترین معدن طلای جهان به دلیل ایجاد مشکلات زیست‌محیطی متوقف شده است. این معدن طلا در مرز آرژانتین و شیلی و در میان یخچال‌های طبیعی در منطقه «آند کودرلر» قرار گرفته است. شرکت کانادایی «بریک گلد» نیز که تصمیم داشت هشت‌میلیارد دلار در این پروژه سرمایه‌گذاری کند، از سوی دادگاه به پرداخت جریمه‌ای بسیار سنگین محکوم شد. «دادگاه محیط زیست شیلی» در حکم خود تأکید کرده است که دستور تعطیلی معدن روباز طلا در «پاسکوا لاما» قطعی و همیشگی است. شرکت کانادایی نیز به دلیل خسارت‌هایی که به محیط زیست هنگام ساخت معدن وارد کرده ۹ میلیون دلار جریمه شده است. بر اساس حکم دادگاه، میزان خطری که پروژه معدن «پاسکوا لاما» برای سلامتی مردم داشته است، هیچ‌گونه راه دومی را برای ادامه این پروژه باقی نگذاشته بود. رأی دادگاه ثابت می‌کند که تصمیم سازمان محیط زیست شیلی در سال ۲۰۱۸ درخصوص ضرورت توقف این پروژه درست بوده است. سازمان محیط زیست شیلی به ۳۳ مورد نقض اصول زیست‌محیطی از جمله تخلیه آب‌های آلوده و تخریب گیاهان توسط این شرکت کانادایی اشاره کرده بود. از همین رو دادگاه با تأکید بر واردبودن شکایت سازمان محیط زیست، حکم بر تعطیلی دائم داد. پروژه این معدن طلا همچنین به دلیل مشکلات زیست‌محیطی که ایجاد کرده بود، با مخالفت جدی مردم در دو کشور شیلی و آرژانتین مواجه شده بود. مردم منطقه سال‌ها از آب آشامیدنی حاصل از ذوب‌شدن یخچال‌های طبیعی که به شکل رود از کوه‌های آند جاری می‌شد، استفاده می‌کردند اما با آغاز پروژه معدن، آب منطقه به‌شدت آلوده شد. در سال‌های اخیر بسیاری از اهالی منطقه و نیز حیوانات به دلیل مصرف آب دارای مواد خطرناک و بعضاً سرطان‌زا دچار بیماری‌های گوناگون شده‌اند.